

نویسنده: موادا اسکندر (Mawadda Iskandar).
منبع و تاریخ نشر: کریدل «2026-05-29».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

افسانه «پناهگاه امن» امارات زیر بار جنگ در هم می‌شکند

*UAE's safe-haven myth breaks under the
weight of war*

دبی خود را به عنوان پناهگاهی برای فرار از جنگ‌های منطقه جا زده
بود، اما همسویی ابوظبی با واشنگتن و تل‌آویو، این جنگ‌ها را به
نزدیکی خود کشانده است

*Dubai sold itself as a refuge from the region's wars, but Abu Dhabi's
alignment with Washington and Tel Aviv has brought those wars to
its doorstep*



Photo Credit: The Cradle

امارات متحده عربی به مدت دو دهه، تصویری از برج‌های شیشه‌ای که بر فراز خلیج فارس آرام سر بر آورده‌اند، سرمایه‌ای که بدون اصطکاک در حرکت است و تجملاتی که از جنگ‌هایی که بقیه غرب آسیا را دربرگرفته، مصون مانده است را به جهانیان فروخت.

اگر دبی نمایشگاه بود، ابوظبی مرکز فرماندهی بود و چتر امنیتی ایالات متحده به عنوان معماری نامرئی این مدل را در کنار هم نگه می‌داشت.

جنگ ایالات متحده و اسرائیل علیه ایران، این معامله را آشکار کرد. واشنگتن از امارات در برابر تشدید تنش محافظت نکرد؛ بلکه این کشور را به بخشی از نقشه هدف تبدیل کرد. آنچه در پی آن رخ داد، نه تنها یک شوک نظامی، بلکه ضربه مستقیمی به اقتصادی بود که بیشتر به آرامش وابسته است.

گردشگری کند شد، پروازها مختل شد و هزینه‌های بیمه افزایش یافت. سرمایه‌گذاران شروع به نگاه به آسیا و اقیانوسیه کردند، در حالی که ساکنان ثروتمندی که دبی را به عنوان پناهگاهی در برابر بحران‌های غرب آسیا در نظر گرفته بودند، مجبور شدند از خود بپرسند که آن پناهگاه بدون مالیات اکنون چه ارزشی دارد.

این جنگ سایه سنگینی بر اقتصادهای خلیج فارس انداخت و محدودیت‌های تکیه بر حمایت ایالات متحده به عنوان جایگزینی برای امنیت حاکمیتی را آشکار کرد.

نتیجه، تغییر سریع اولویت‌ها بود، چرا که دولت‌های خلیج فارس شروع به «تأمین امنیت اقتصاد» از طریق افزایش هزینه‌های دفاعی، بومی‌سازی صنایع استراتژیک و ایجاد کریدورهای تجاری جایگزین برای کاهش مواجهه با گلوگاه‌ها کردند.

این تأثیر در امارات متحده عربی آشکارتر بود، که پس از اعلام دخالتش در تجاوز علیه ایران، بیشترین سهم از حملات ایران را به خود اختصاص داد. با گسترش درگیری، آسیب‌ها بسیار فراتر از شاخص‌های بازار رفت. این امر شروع به تغییر معادله امنیتی-اقتصادی کرد که دبی و ابوظبی بر اساس آن بنا شده بودند: ثبات، گردشگری، امور مالی، خدمات جهانی و وعده دولتی مبنی بر اینکه جنگ در جای دیگری باقی خواهد ماند.

ایستگاه‌های لوکس دبی متوقف شدند

اولین شوک به گردشگری و تجمل، دو ستون اقتصاد دبی و دو بخشی که بیشترین وابستگی را به توهم آرامش دارند، وارد شد.

موسسه تحلیل مودی پیش‌بینی کرد که اشغال هتل‌های دبی می‌تواند از ۸۰ درصد قبل از جنگ به تنها ۱۰ درصد در سه ماهه دوم کاهش یابد، که تقریباً تعطیلی برای شهری است که اقتصاد آن به جریان بی‌وقفه گردشگران، کنفرانس‌ها و هزینه‌های لوکس وابسته

است. تردد مسافران از طریق فرودگاه‌های دبی در یک ماه ۶۶ درصد کاهش یافت و در سه ماهه اول سال، در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، حدود ۲/۵ میلیون مسافر از دست رفتند. هتل‌ها با کاهش تقاضا و فرار هزینه‌های لوکس از عدم قطعیت، قیمت‌ها را با سرعتی بی‌سابقه کاهش دادند.

با تشدید جنگ، اقتصاد غیرنفتی ضربه مستقیمی خورد. شاخص مدیران خرید امارات متحده عربی به پایین‌ترین سطح خود در بیش از پنج سال گذشته رسید، در حالی که سفارشات صادرات خارجی شدیدترین کاهش را از سال ۲۰۰۹، به استثنای دوره ویروس کرونا، ثبت کرد. با اختلال در حمل و نقل دریایی در تنگه هرمز، هزینه‌های حمل و نقل، بیمه و انرژی افزایش یافت. شرکت‌ها با سریع‌ترین سرعت از سال ۲۰۱۱، قیمت‌ها را افزایش دادند، حتی با وجود اینکه فروش کاهش یافته و هزینه‌های مصرف‌کننده ضعیف شده بود.

خطرناک‌ترین ضربه، ضربه اعتباری بود. دبی با ارائه مالیات پایین، شفافیت مالی و این حس که این شهر خلیج فارس به نحوی از منطقه اطراف خود فرار کرده است، صدها هزار نفر از ساکنان ثروتمند و سرمایه‌گذاران را به خود جذب کرد. با افزایش خطرات امنیتی، این تصویر شروع به فروپاشی کرد. بنا به گزارش‌ها، درخواست‌ها برای اقامت جایگزین بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است، در حالی که میلان، سنگاپور و استانبول شروع به جذب بخشی از ثروتی کرده‌اند که زمانی در دبی متمرکز بود. برای اقتصادی که بر پایه جریان سرمایه، املاک و مستغلات و خدمات بنا شده است، این یک مشکل‌گذا نیست. این موضوع به هسته اصلی مدل ضربه می‌زند.

این جنگ همچنین یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد امارات متحده عربی را تهدید کرد: هوانوردی و لجستیک. جاه‌طلبی دبی برای ایفای نقش به عنوان یک گره هوایی جهانی که آسیا، اروپا و آفریقا را به هم متصل می‌کند، به آسمان باز و ریسک قابل پیش‌بینی بستگی دارد. بسته شدن حریم هوایی، اختلالات پرواز و افزایش تهدیدات امنیتی به این جریان آسیب رساند و فشار روزانه‌ای را بر اقتصادی که به سفر، تجارت و خدمات وابسته است، وارد کرد.

شوگ لجستیکی به جبهه دریایی نیز رسید. امارات متحده عربی به تنگه هرمز وابسته است، تنگه‌ای که حداقل ۲۰ درصد از تجارت جهانی نفت و گاز مایع و حدود ۲.۴ درصد از تجارت غیرنفتی جهان از آن عبور می‌کند.

واکنش لجستیکی ابوظبی نشان می‌دهد که امارات متحده عربی چقدر سریع مجبور شده است مسیر معماری تجاری خود را تغییر دهد. بروج با شرکت گلف تینر در بندر خور فکان، شرکت کشتیرانی گلف تینر و شرکت راه آهن اتحاد برای گسترش گزینه‌های صادرات و ایجاد مسیرهای دریایی-ریلی انعطاف‌پذیرتر توافق‌نامه‌هایی امضا کرد، در

حالی که شرکت بنادر امارات با استفاده از ۸۰۰ کامیون و چهار سرویس روزانه راه آهن اتحاد، یک پل زمینی از فجیره و خور فکان به بندر خلیفه، جبل علی و شارجه ایجاد کرد.

شرکت بنادر امارات و بروج همچنین توافق کرده اند که یک مرکز صادرات جایگزین در فجیره را بررسی کنند که به دور زدن تنگه هرمز کمک کند. هر مسیر انحرافی هزینه حمل و نقل، بیمه و لجستیک را افزایش میدهد و بخشی از مزیتی را که امارات متحده عربی شهرت خود را به عنوان یک مرکز تجاری سریع و امن بر آن بنا نهاده بود، از بین می برد.

سرمایه، درهای خروج را می آزماید

جنگ نه تنها به جابجایی مردم و کالاها آسیب رساند، بلکه اعتماد به نفس در موقعیت مالی خود امارات را نیز متزلزل کرد، که خطرناک ترین نقطه فشار برای اقتصادی وابسته به جریان های خارجی است.

در اوج تشدید تنش ها در بهار ۲۰۲۶، گزارش های مالی حاکی از آن بود که مؤسسات بین المللی در حال ارزیابی مجدد حضور خود در دبی و ابوظبی هستند و برخی از دارایی ها و نقدینگی خود را به سمت مراکزی که امن تر تلقی می شدند، از جمله سنگاپور و زوریخ، منتقل کرده اند.

بانک های جهانی، از جمله سیتی گروپ و استاندارد چارترد، پس از تهدید منافع بانکی خلیج فارس مرتبط با ایالات متحده و اسرائیل توسط ایران، کارکنان خود را از دفاتر دبی خارج کرده و به کار از راه دور روی آوردند. سیتی گروپ همچنین به عنوان یک اقدام احتیاطی، اکثر شعب اماراتی خود را به طور موقت تعطیل کرد.

در همان زمان، ابوظبی در حال بررسی مسدود کردن میلیاردها دلار دارایی ایران بود، در حالی که گزارش ها حاکی از سرکوب گسترده تر صرافی ها و کانال های مالی مرتبط با ایران در دبی بود. برای سرمایه گذاران، وعده اماراتی ها برای جابجایی بدون اصطکاک سرمایه اکنون در معرض خطر جنگ، فشار تحریم ها و خواسته های دستور کار منطقه ای و اشنگتن قرار گرفته بود.

حتی بازارهای مالی این کشور نیز نتوانستند از این شوک اجتناب کنند. بورس های خلیج فارس با هر مرحله از تشدید تنش های نظامی به شدت نوسان کردند، در حالی که برخی از سرمایه گذاران خارجی طرفدار خروج موقت از بازارهای نوظهور بودند و به سمت دلار، طلا و اوراق قرضه ایالات متحده حرکت کردند. صندوق های حاکمیتی امارات متحده عربی هنوز ظرفیت عظیمی برای مداخله و جذب نوسانات دارند.

اما هر چه تنش طولانی تر شود، جذابیت این کشور به عنوان مکانی که سرمایه می تواند وانمود کند سیاست وجود ندارد، بیشتر تضعیف می شود.

تغییر موضع ابوظبی تحت فشار

از نظر سیاسی و استراتژیک، جنگ، امارات متحده عربی را به سمت تغییر موضع اقتصادی گسترده‌تری سوق داد. ابوظبی اکنون در تلاش است تا شرکت‌های تجاری و سیاسی را سریع‌تر از آسیا به آفریقا و اروپا متنوع کند تا وابستگی به محیط خلیج فارس که به طور فزاینده‌ای بی‌ثبات است را کاهش دهد.

رقابت با عربستان سعودی برای شرکت‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاری و گردشگری نیز تشدید شده است و هر کشور به دنبال اثبات این است که قطب باثبات‌تر و جذاب‌تری است.

خروج امارات متحده عربی از اوپک پلاس یکی دیگر از پیامدهای مهم جنگ است و تنش‌ها با عربستان سعودی را عمیق‌تر کرده است. ابوظبی ده‌ها میلیارد دلار برای افزایش ظرفیت تولید به حدود ۵ میلیون بشکه در روز سرمایه‌گذاری کرد. از دیدگاه این کشور، محدودیت‌های اوپک توانایی آن را برای به حداکثر رساندن درآمد در لحظه‌ای از نوسانات منطقه‌ای و قیمت بالای انرژی محدود می‌کرد.

این جنگ همچنین تناقض عمیقی را در مدل اماراتی آشکار کرد. امارات متحده عربی برای دهه‌ها ثبات را به عنوان یک محصول ملی به بازار عرضه می‌کرد. اما این محصول وقتی هرج و مرج مستقیماً به خلیج فارس منتقل می‌شود، شکننده می‌شود. بنابراین، دولت سیاست دوگانه‌ای را در پیش گرفته است: کاهش بحث عمومی در مورد خسارات، در عین حال پیشبرد پروژه‌های عظیم در حمل و نقل، انرژی، صنعت و گردشگری تا این پیام را ارسال کند که اقتصاد می‌تواند از جنگ جان سالم به در ببرد.

با وجود این فشارها، امارات متحده عربی وارد مرحله فروپاشی نشده است. مازاد نفت و دارایی‌های عظیم دولتی به دولت اجازه داده است تا اولین شوک را تحمل کند. فیچ، رتبه اعتباری امارات متحده عربی را در AA- با چشم انداز پایدار حفظ کرد و به دارایی‌های قوی خارجی و درآمدهای نفتی بالاتر اشاره کرد، حتی با اینکه پیش بینی می‌کرد اقتصاد دبی دچار رکود شدیدی شو.

اساساً، ابوظبی هنوز می‌تواند سیستم راسپا نگه دارد، اما مدل دبی دیگر غیرقابل نفوذ نیست.

نظر سنجی:

- * چه چیزی مدل امارات متحده عربی را در طول جنگ بیشتر آشکار کرد؟
- * شکست چتر امنیتی ایالات متحده
- * وابستگی دبی به سرمایه و گردشگری خارجی
- * همسویی ابوظبی با تل آویو شکنندگی کنترل‌های فدرال و داخلی

۲۲ رأی، ۵ روز و ۱۳ ساعت باقی مانده

از دلال خلیج فارس تا اردوگاه اسرائیل

یکی دیگر از پیامدهای جنگ علیه ایران، تشدید حمایت امارات متحده عربی از محور آمریکا-اسرائیل بوده است. دخالت مستقیم ابوظبی در تجاوز علیه ایران، تمرکز شدید تر ایران بر منافع امارات را برانگیخت. این امر همچنین به از بین رفتن ظاهر انسجام خلیج فارس کمک کرد. امارات و بحرین در امتداد خط مشی سختگیرانه تری حرکت کردند، در حالی که محاسبات رقیب در خلیج فارس و تغییر گسترده تر نظم منطقه ای، عربستان سعودی، ترکیه، قطر و پاکستان را به بحث در مورد معماری امنیتی جدید کشاند.

با افزایش نزدیکی عربستان و پاکستان، ابوظبی از فشار اقتصادی علیه اسلام آباد، از جمله مطالبات مربوط به بدهی ها و سپرده ها، استفاده کرد و در عین حال روابط خود را با هند در زمینه های انرژی، تجارت و کریدورهای استراتژیک تعمیق بخشید.

نتیجه، طرح کلی یک محور متقابل به رهبری امارات متحده عربی، هند و اسرائیل با حمایت ایالات متحده است. فشار ابوظبی بر اسلام آباد و همسویی آن با سومالی لند، نشان دهنده یک سیاست خارجی تندتر مبتنی بر بلوک های منطقه ای، اجبار اقتصادی و تغییر شکل نقشه های نفوذ در غرب آسیا و شاخ آفریقا است. داده ها و گزارش های امنیتی نشان می دهد که امارات متحده عربی در میان کشورهای خلیج فارس، در جریان تشدید اخیر تنش ها، بیشترین آسیب را دیده است و حدود ۴۲/۸ درصد از حملات ثبت شده در مقایسه با سایر کشورهای خلیج فارس را به خود اختصاص داده است. این سهم، نشان دهنده تغییر عمیق تری در موقعیت منطقه ای امارات متحده عربی است. این کشور دیگر فقط یک قطب تجاری نیست که سعی کند از رویارویی پیرامون خود جدا بماند. نقش عمیق تر نظامی و اطلاعاتی آن، آن را به بخشی از خود رویارویی تبدیل کرده و همسویی سیاسی را به مواجهه مستقیم امنیتی تبدیل کرده است.

هماهنگی اسرائیل و امارات همچنین از طریق ادعای خود بنیا مین نتانیا هو، نخست وزیر اسرائیل، مبنی بر سفر مخفیانه به امارات و ملاقات با محمد بن زاید آل نهیان (MbZ)، رئیس جمهور امارات، در طول جنگ علیه ایران، آشکار شد. ابوظبی این ادعا را رد کرد و اصرار داشت که روابطش با دولت اشغالگر علنی است و از طریق توافق نامه های ابراهیم انجام می شود. رویترز گزارش داد که این دیدار در ۲۶ مارس در العین انجام شده و چندین ساعت طول کشیده است. مایک هاکیبی، سفیر آمریکا در اسرائیل، همچنین فاش کرد که تل آویو سامانه های ضد موشکی گنبد آهنین را برای کمک به امارات در مقابله با حملات ایران اعزام کرده است، استقراری که او آن را گواهی بر «رابطه فوق العاده» بین دو کشور توصیف کرد.

گزارش‌های دیگر، تشدید تنش‌ها را به عملیات منتسب به طرف‌های مرتبط با امارات علیه اهدافی در داخل ایران، از جمله تأسیسات نفتی، به عنوان بخشی از پاسخ‌های متقابل به حملات ایران به زیرساخت‌ها و منافع حیاتی امارات مرتبط دانسته‌اند.

فشار فدرال و سخت‌گیری داخلی

علاوه بر این، جنگ، شکنندگی درون ساختار فدرال امارات متحده عربی را تشدید کرد. تصمیم‌گیری به طور فزاینده‌ای در ابوظبی متمرکز شده است، در حالی که اختلافات پنهان با سایر امارت‌ها، به ویژه دبی و شارجه، بر سر ماهیت نقش سیاسی و اقتصادی دولت و محدودیت‌های دخالت خارجی همچنان ادامه دارد.

این تمرکزگرایی حساس است زیرا اقتصاد دبی بر باز بودن، تجارت و خدمات استوار است، در حالی که مسیر ابوظبی بیشتر امنیتی و وابسته به مدیریت درگیری‌های منطقه‌ای است. با گسترش دخالت خارجی در راستای جایگاه منطقه‌ای؛ ترس‌ها بر سر فشار بر انسجام فدرال افزایش می‌یابد.

ثبات داخلی بیشتر به آشفتگی منطقه گره می‌خورد و کمتر می‌تواند از آن جدا بماند. معضل این است که ابوظبی از فدراسیون می‌خواهد هزینه‌های یک موضع منطقه‌ای تهاجمی‌تر را متحمل شود، در حالی که دبی باید از تصویر بی‌طرفی و آرامشی که اقتصاد خدماتی آن به آن وابسته است، محافظت کند. این تنش مدت‌هاست که در زیر سطح وجود داشته است، اما جنگ آن را آشکار می‌کند.

این الگو محدود به مدیریت داخلی نیست. این امر همچنین از طریق ابزارهای قانونی فراتر از مرزهای امارات متحده عربی گسترش می‌یابد. این کشور استفاده خود از فهرست‌های تروریسم را گسترش داده و مخالفان و نهادهای تبعیدی در خارج از کشور را نیز شامل می‌شود، به طوری که ۱۱ فرد و هشت نهاد در قطعنامه ۲۰۲۵ اضافه شده‌اند.

این افراد شامل مخالفان، اعضای خانواده و شرکت‌های ثبت‌شده در خارج از کشور بودند که اغلب بدون اتهامات کیفری مشخص یا نظارت قضایی مستقل بودند. بنابراین، مسئله فدرال دیگر فقط اداری نیست؛ بلکه سیاسی، اقتصادی و امنیتی است، همان‌طور که بحث‌های قبلی در مورد اینکه آیا هفت امارت به عنوان یک کشور واحد عمل میکند یا یک پروژه آسیب‌پذیر در برابر تجزیه نشان داده است.

این رویه بر ماده ۶۳ قانون مبارزه با تروریسم سال ۲۰۱۴ و تصمیمات اجرایی مانند تصمیم شماره ۷۴ کابینه سال ۲۰۲۰ استوار است که امکان فهرست‌بندی بدون اطلاع قبلی یا ضمانت‌های تجدیدنظر مؤثر را فراهم می‌کند. موارد قبلی در سال ۲۰۲۱ شامل ۳۸ فرد و ۱۵ نهاد بود که روند صعودی در هدف قرار دادن را نشان می‌دهد. در همان زمان، گزارش‌های میدانی حاکی از اخراج حدود ۱۵۰۰۰ کارگر پاکستانی در مدت کوتاهی، از

جمله درصد قابل توجهی از اعضای جامعه شیعه، از طریق دستگیری های ناگهانی در محل کار و رویه های مبهمی بود که بسیاری از آنها شغل و پس انداز خود را از دست دادند.

در جریان تشدید تنش با ایران، امارات متحده عربی همچنین کنترل بر فضای دیجیتال و عمومی را تشدید کرد. مقامات نسبت به انتشار محتوای نشان دهنده حملات هشدار دادند، بیش از ۱۰۰ نفر را به اتهامات مرتبط با فیلمبرداری یا انتشار «اطلاعات نادرست» دستگیر کردند، مجوزهای قبلی را بر تولیدکنندگان محتوا اعمال کردند و حساب های کاربری را در پلتفرم های رسانه های اجتماعی مسدود کردند.

منابع همچنین به فهرست های نظارت دیجیتال و هدف قرار دادن حساب های کاربری در داخل و خارج از کشور اشاره کردند. اعلام اینکه شبکه هایی که گفته می شود به نام حفاظت از «ثبات مالی» با ایران و حزب الله مرتبط بوده اند، منحل شده اند، همین نگرانی را منعکس کرد.

مدل پس از موشک ها

امارات متحده عربی با هزینه نقش منطقه ای روبرو است که از تصویری که دبی به جهان می فروشد، فراتر رفته است. ابوظبی هنوز می تواند برای مدیریت این شوک از درآمد نفت، ثروت ملی و حمایت غرب استفاده کند، اما هیچ کدام از این ها وعده قدیمی مبنی بر اینکه امارات می تواند فراتر از جنگ های اطراف خود باشد را احیا نمی کند. جنگ علیه ایران، عملی کردن این وعده را دشوارتر کرده است. دبی همچنان باز است و ابوظبی همچنان ثروتمند. این کشور هنوز منابع لازم برای جذب فشار را دارد

با این حال، هزینه ها از همین حالا در پروازهای مختل شده، حق بیمه بالاتر، اقدامات امنیتی سختگیرانه تر و این حس فزاینده در میان سرمایه گذاران قابل مشاهده است که امارات متحده عربی دیگر آنطور که زمانی به نظر می رسید از درگیری های منطقه ای دور نیست

----- **با تقدیم سلامها** «2026-06-14»

